

زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۱، شماره ۳، بهار ۱۳۸۹: ۲۱-۷

نمود زبانی تمایلات فمینیستی در رمان خوشه‌های خشم

شهلا شریفی*، لیلا عرفانیان قونسولی**

چکیده: در این مقاله، در پی آنیم تا دریابیم که آیا جان اشتاین‌بک که در زمان اوج فعالیت‌های فمینیسم در غرب می‌زیسته است، تحت تأثیر این فعالیت‌ها قرار گرفته است و کمکی در جهت پیش‌برد این جریان انجام داده است یا خیر؛ تا با مطالعه‌ی نتایج حاصل از بررسی رمان خوشه‌های خشم و بررسی تاریخچه‌ی فمینیسم در غرب دریابیم جنبش زنان در پی رسیدن به چه چیزی بوده است و چه کسانی در پیش‌برد این جریان، کمک کرده‌اند. برای یافتن پاسخی برای این پرسش‌ها، از دیدگاه‌های زبان‌شناختی استفاده نموده‌ایم. در زبان‌شناسی اعتقاد بر این است که نویسنده، بر اساس معرفت‌زمینه‌ای که دارد، از ساخت‌های خاص، واژگان و اصطلاحات خاصی در گفتار یا نوشتار خویش استفاده می‌کند که با بررسی نوشتار یا گفتار وی و استخراج این واژگان و ساخت‌های گفتمان‌مدار، می‌توان به معرفت‌زمینه‌ای وی که بیان‌گر تجربه‌های قبلی، وضعیت اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی وی می‌باشد دست یابیم. بر این اساس، در این مقاله، پس از بررسی واژگان و ساخت‌های مورد استفاده در این رمان، به این نتیجه رسیدیم که جان اشتاین‌بک نیز از نویسندگان روشن‌فکری بوده است که در جهت برقراری عدالت در جامعه می‌کوشیده است و در رمان خویش، سعی در نشان دادن توانایی‌های زنان و جایگاه ناعادلانه‌ی آنان در جامعه دارد. هم‌چنین پس از بررسی تاریخچه‌ی فمینیسم و بررسی تصویر تمام‌نمای آن که در رمان خوشه‌های خشم منعکس شده است به این نتیجه رسیدیم که جنبش زنان، نه تنها در پی رساندن زنان به حقوق خویش می‌باشد، بلکه در پی این بوده است که عدالت اجتماعی در جامعه حکم‌فرما باشد و از این رو، نه تنها زنان در جبهه‌ی فمینیسم می‌کوشیدند، بلکه طبقه‌ی کارگر، مردان، نویسندگان و هر انسان روشن‌فکری که در پی برقراری عدالت در جامعه بوده است، در راستای تحقق آن تلاش می‌کرده است.

واژه‌های کلیدی: فمینیست، تمایلات فمینیستی، خوشه‌های خشم، جان اشتاین‌بک.

leila1251691@yahoo.com

leilaerfanyan@yahoo.com

* استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

** دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۰۵/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱۱/۲۰

۸ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۱، شماره ۳، بهار ۱۳۸۹

مقدمه

توجه به زن و حقوق او در غرب، پدیده‌ای نه چندان دیرپاست. سال‌ها پیش برخی افراد، به ظلم‌هایی که به زنان در سرتاسر جهان اعمال می‌شد و به ناعدالتی بین زنان و مردان پی بردند. با گذشت زمان، آن‌ها اعتراض خود را به موقعیت ناعادلانه‌ی زن در اجتماع ابراز کردند و سپس، زمانی که زنان پی بردند که جز خود آن‌ها، کسی نمی‌تواند به آنان کمکی نماید، حرکتی را آغاز کردند و زنان روشن‌فکری از سرتاسر جهان گرد هم آمدند و متحد شدند. در قرن ۱۹، حمایت از حقوق زنان با نام «جنبش زنان» مطرح شد که همین حرکت، در قرن ۲۰ به نام «فمینیسم» شناخته شد. تا قبل از ۱۹۳۳، فمینیسم به معنای عقاید و اصول طرفداران فعالیت‌ها و ادعاهای زنان و حمایت از حقوق زنان بود. نه فقط زنان به دنبال حقوق خود بودند، بلکه بعضی مردان روشن‌فکر نیز دغدغه‌ی این امر را داشتند. آن‌ها ظلم‌هایی را که به زنان روا می‌شد؛ درک کرده بودند و سعی کردند حقوق آنان را به آن‌ها بازپس دهند. خصوصاً نقش نویسندگان در پیشرفت جنبش زنان بسیار برجسته بود. اگرچه بیشتر این نویسندگان، زن بودند اما نویسندگان مرد نیز تلاش‌هایی در پیش‌برد این جنبش انجام دادند. در این مقاله، در پی آنیم تا دریابیم که آیا جان اشتاین‌بک که در زمان اوج فعالیت‌های فمینیسم در غرب می‌زیسته است نیز کمکی در جهت پیش‌برد این جریان انجام داده است تا با مطالعه‌ی نتایج حاصل از بررسی رمان خوشه‌های خشم و بررسی تاریخچه‌ی فمینیسم در غرب دریابیم جنبش زنان در پی رسیدن به چه چیزی بوده است و چه کسانی در پیش‌برد این جریان، کمک کرده‌اند. بنابراین، در بخش دوم این مقاله، به معرفی فمینیسم و بیان تاریخچه‌ی مختصری از آن می‌پردازیم. در بخش سوم، معرفی کوتاهی از تجزیه و تحلیل کلام خواهیم داشت تا بر اساس آن و در بخش‌های بعدی این مقاله، به بررسی رمان خوشه‌های خشم بپردازیم تا دریابیم آیا در این رمان، وضعیت اجتماعی آن زمان منعکس شده است و جان اشتاین‌بک، چه روی‌کردی به زنان و فعالیت آن‌ها دارد و آیا تلاشی در جهت پیش‌برد جریان فمینیسم انجام داده است یا خیر.

فمینیسم چیست؟

همه‌ی ما تاکنون با واژه‌ی «فمینیسم» مواجه شده‌ایم. شاید اساسی‌ترین پرسش مطرح در مورد این واژه، این باشد که معنای واقعی این واژه چیست و چه زمان به‌وجود آمده است؟ پرسش دیگر این است که فمینیسم‌ها چه عقایدی دارند؟

نمود زبانی تمایلات فمینیستی در رمان خوشه‌های خشم ۹

این واژه، اغلب به معنای «حمایت محض از زنان و انجام هر آنچه آنان می‌خواهند» تصور می‌شود. در این بخش، تاریخچه‌ی این واژه و معنای امروزی آن بیان می‌شود؛ همچنین، عقایدی که باعث متمایل شدن طرفداران حقوق زن به این مسیر می‌باشد، مطرح خواهد شد.

در سال ۱۹۱۰، سخنرانی‌ها و مناظراتی در غرب با موضوع «حقوق زنان و آزادی‌هایی که برای صدها سال از آن‌ها سلب شده است» شکل گرفت. در قرن ۱۹، به این اعتقاد، «فمینیسم» گفته می‌شد. در آن دوران، درباره‌ی رشد زنان و حقوق آن‌ها و رنج‌هایی که متحمل می‌شدند سخن‌ها گفته می‌شد یا به عبارتی، آن‌ها از جنبش زنان برای رسیدن به حق رأی، تحصیلات بالاتر، رفاه، حقوق و آزادی‌های اجتماعی سخن می‌گفتند. زنان در قرن ۱۹، از اتحاد زنان سخن می‌گفتند و در سخنرانی‌های خویش، واژه‌ی «زن» را به کار نمی‌بردند بلکه همیشه از واژه‌ی «زنان» استفاده می‌کردند. آن‌ها معتقد بودند که تمام زنان، یک جنبش دارند و از واژه‌ی «جنبش زنان» استفاده می‌کردند (کات، ۱۹۸۷: ۳).

در قرن ۲۰، واژه‌ی «جنبش زنان» دیگر واژه‌ای کهنه به نظر می‌آمد و واژه‌ی «فمینیسم» جای آن را گرفت که این واژه، معنایی متفاوت با واژه‌ی «جنبش زنان» داشت. فمینیسم، مدعی انقلاب در تمام روابط بین دو جنس می‌باشد و به عنوان یک ایدئولوژی، اصولی را بیان می‌کرد که نه الزاماً متعلق به یک زن بود و نه محدود به زنان، بلکه فمینیسم، واژه‌ای است برای پیشینه‌ی حقوق زنان که در زمان به دست آوردن حق رأی، ایجاد شد.

همان‌طور که بیان شد، اعتقاد بر این است که واژه‌ی «فمینیسم» ریشه در تاریخ دارد. در سال ۱۹۹۳، تعریفی که در دیکشنری آکسفورد از واژه‌ی «فمینیسم» داده شده است به این قرار است: «عقاید و اصول طرفداران شناخت فعالیت‌ها و ادعاهای زنان؛ حمایت از حقوق زنان» (دیکشنری آکسفورد، ۱۹۳۳). در این تعریف، واژه‌ی فمینیسم به صورت نظری معنا شده است و فمینیسم را نظریه‌ای می‌داند که هنوز به عمل، مبدل نشده است. بنابراین، متوجه می‌شویم که در آن زمان، فمینیسم فقط شامل عقایدی درباره‌ی دفاع از حقوق زنان بوده است. امروزه، تعریف فمینیسم در دیکشنری آکسفورد به این گونه است: «عقیده و هدفی دال بر این که زن‌ها باید حقوق و موقعیت‌های یکسانی با مردان داشته باشند و تلاش برای رسیدن به این هدف» (دیکشنری آکسفورد، ۲۰۰۳). می‌بینیم که این تعریف، نه تنها هدفی دال بر حقوق مساوی زنان و مردان را بیان می‌کند، بلکه تلاش برای رسیدن به این هدف را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین، در زمان حال، فمینیسم فراتر از نظریه و به سمت عمل رفته است. همچنین، بنا بر تعریف

نخست، زن‌ها خواهان به دست آوردن حقوق خویش بودند و تنها دغدغه‌ی آن‌ها، به دست آوردن آن بود. اما امروزه زنان حقوقی مساوی مردان می‌خواهند و برابری کامل در جامعه را خواستارند و این را حق خود می‌دانند. بنابراین، با گذشت زمان، حقوقی که زن‌ها در پی آن بودند ارتقاء یافته است و از حالت نظری خارج و به سوی عمل رفته است.

اگرچه از قرن ۲۰، از واژه‌ی فمینیسم استفاده شده است و در قرن ۱۹ از اصطلاح «جنبش زنان» استفاده می‌گشته است، اما تاریخچه این تفکر که زن‌ها باید مشمول حقوق مساوی با مردان باشند، از مدت‌ها قبل از آن آغاز گشته بود. سال‌ها پیش از آن، مردم درک کرده بودند که رفتار اجتماع نسبت به زنان، ناعادلانه و نابرابر است. آن‌ها می‌دانستند که حقوق زنان و مردان برابر نیست و زن‌ها تحت ظلم و ستم قرار دارند؛ از این رو، سعی کردند این وضعیت ناعادلانه را تغییر دهند. با مطالعه‌ی رمان‌های «حمایت از حقوق زنان»^۱ نوشته «ماری ول‌استون کرافت»^۲ و «اتاقی برای خودش»^۳ نوشته «ویرجینیا ولف»^۴ و چندین رمان دیگر، می‌توانیم تأثیر این موضوع را بر افکار مردم به وضوح مشاهده کنیم. نه تنها این مسئله مورد توجه زنان بوده بلکه بعضی مردان نیز دغدغه‌ی آن را داشتند؛ به عنوان مثال، کتاب «جنس دوم»^۵ از بوواک^۶ به بررسی مشکلاتی پرداخته است که زنان در آثار دی‌اچ‌لارنز^۷ دارند. همچنین کتاب‌های «استیلا‌ی زنان»^۸ و «اساس خانواده»^۹ از فردریک انجل^{۱۰} و آثار بسیاری از نویسندگان دیگر، جزء آثاری هستند که نشانه‌های دفاع از حقوق زن را در آن‌ها می‌توان مشاهده کرد. در این مقاله در پی آن هستیم تا با بررسی اثر یکی از نویسندگان بزرگ به نام «جان اشتاین‌بک» عقاید این نویسنده را در مورد زنان محک بزنیم. اما قبل از آن، نگاهی به عقاید و اعمال طرفداران حقوق زن در اواخر قرن ۱۹ و

1. A Vindication of the Rights of Women
2. Mary Wolstone Craft
3. A Room of One's Own
4. Virginia Wolf
5. Second Sex
6. Beauvoir
7. D.H.Lawrence
8. The Subjection of Women
9. The Origin of Family
10. Friedrich Engels

نمود زبانی تمایلات فمینیستی در رمان خوشه‌های خشم ۱۱

اوایل قرن ۲۰ در جامعه‌ی غرب خواهیم داشت و اولین پایه‌گذاران فمینیست را معرفی خواهیم کرد. سپس انعکاس این عقاید و اعمال را در رمان خوشه‌های خشم بررسی می‌کنیم.

در اوایل قرن ۲۰، افکار باقی‌مانده از قرون وسطی در ذهن فمینیست‌ها تثبیت گشته بود. در قرن ۱۷، ماری آستل^{۱۱} و در قرن ۱۸، ماری وول‌استون کرافت بیان نمودند که تفاوت بین مردها و زن‌ها از ذات آن‌ها ناشی نمی‌شود بلکه نتیجه‌ی تحصیلات متفاوت آن‌هاست. بنابراین، با تحصیل زنان، می‌توان آن‌ها را برای انجام نقش‌های مهمی در جامعه آماده کرد. هم‌چنین اعتراض به مرگ اجتماعی زنان در گرفت زیرا زن هیچ حقی از لحاظ اقتصادی در خانه و از لحاظ سیاسی در جامعه نداشت. این اعتراض، از جانب لویی‌لب^{۱۲} و ماری دوگورنی^{۱۳} در قرن ۱۸ در فرانسه و از جانب آناماری وان‌اسچورمان^{۱۴} در قرن ۱۷ در هلند و از جانب نیوکاسل در انگلستان و توسط فمینیست‌های غربی در قرن ۱۹ مطرح شد. مهم‌ترین اعتقاد حاکم بر فمینیست‌ها در قرن ۱۹ این بود که زن‌ها در دنیای جدید، باید متحد شده و تلاش کنند تا حقوق‌شان را با اتحاد، اخذ نمایند و در همین راستا، مجمع بین‌المللی زنان (ICW) در ۱۸۸۸ تأسیس شد. در این زمان، مادام آوریل دوست^{۱۵} اظهار داشت که زن‌ها باید نشان دهند که آزادی‌شان تنها به نفع خودشان نیست بلکه به نفع تمام بشر است و آزادی زنان منجر به آزادی مردان نیز خواهد شد. بدین طریق، تلاش فمینیست‌های ICW در جهت صلح، نوع‌دوستی، صنعت، شغل، رقابت‌های اجتماعی و سیاسی، اصلاح زندان‌ها و بیمارستان‌ها، گروه‌های مذهبی، تحصیل زنان و غیره قرار گرفت (ویتز، ۱۹۷۷: ۳۳۱).

در قرن ۱۷، زنان انگلیسی از جمله ماری تاتل^{۱۶} و جان هیت‌هیم‌هم^{۱۷} و در قرن ۱۹، فمینیست‌های ICW به رفتار نابرابرانه بین دو جنس اعتراض کردند. آن‌ها اعتقاد داشتند که زن‌ها نیز انسان هستند و باید رفتار برابری همانند مردان، از سوی جامعه بر آن‌ها اعمال شود و بیان کردند که دلیلی برای تفاوت گذاشتن بین مردان و زنان وجود ندارد و زنان را نباید از حق‌شان محروم کرد. در آن زمان، آنا ویلر^{۱۸} از

11. Mry Astle

12. Louise Lbbe

13. Marrie de Gournay

14. Anna Marie Van Schurman

15. Mme. Avril de Sainte

16. Mary Tattle

17. Joan Hit-Him-Hom

18. Anna Viller

انگلستان و مارگارت فولر^{۱۹} از آمریکا بیان کردند که آزادی زنان محقق نخواهد شد مگر با تلاش خودشان. این اظهارات، شیوه و جهت حرکت زنان را روشن نمود. تا آن زمان، زنان به موقعیت خود معترض بودند و راه رسیدن به هدف را نمی‌دانستند اما از این زمان، نبرد آن‌ها جهت‌دار گشت. در قرن ۱۹، زنان آزادی‌خواه فرانسوی بیان کردند که آزادی زنان، وابسته به آزادی کارگران است. قرن ۱۹ با کاپیتالیسم و انقلاب صنعتی در بعضی جوامع هم‌زمان بود. کارفرمایان، کارگران را با حقوق کم و کار زیاد استخدام می‌کردند. این پدیده، بر زنان نیز تأثیر گذاشت. زنان که هیچ ارثی نمی‌بردند و نمی‌توانستند همسر ثروتمندی پیدا کنند، مجبور بودند با شرایط سخت و حقوق پایین کار کنند. بنابراین، زنان و کارگران مشکل یکسانی داشتند. فلورا تیستان^{۲۰}، متأثر از این موقعیت، برنامه‌ای در جهت اتحاد زنان و مردان کارگر مطرح کرد و در پی دستیابی حقوق واقعی تمام کارگران و رسیدگی به کارگران آسیب دیده بود (ادیت، ۱۹۸۴: ۲۹).

از آن چه تا بدین جا گفته شد می‌توان به این نتیجه رسید که فمینیسم در جریان زدوخوردها و تحت مسائل امنیتی شدید، در اواخر ۱۹۱۰ پدیدار گشت؛ اما تاریخچه تمایل به فمینیسم، محدود به آن زمان نیست. از زمان‌های دور و قبل از آن، مردم ظلم‌هایی که در حق زنان می‌شد و ناعدالتی و نابرابری در جامعه را شاهد بودند. از ۱۹۱۰، اعتراضاتی شکل گرفت و با گذشت زمان، این اعتراضات به عمل مبدل گشت. در ابتدا، آن‌ها به ناعدالتی در جامعه اعتراض می‌کردند و انتظار بهبود این وضع را داشتند. اما وقتی متوجه شدند که هیچ کسی جز خودشان نمی‌تواند کاری برای آن‌ها انجام دهد، شروع به فعالیت کردند. آن‌ها برای رسیدن به حقوق خود تلاش می‌کردند و پس از گذشت زمانی، با هم متحد شدند؛ به این دلیل که آن‌ها متوجه این حقیقت شدند که دو بهتر از یک است. به این طریق، آن‌ها جنبشی را آغاز کردند و به دنبال حقوق خویش بودند و می‌خواستند نشان دهند که زنان نیز به دور از تفاوت‌های جنسی، انسان هستند. آن‌ها تنها تفاوت بین زنان و مردان را سطح تحصیلات می‌دانستند و از این رو، می‌خواستند تحصیل کنند تا به حقوق مساوی با مردان دست یابند. آن‌ها تصمیم گرفتند مدارسی برای زنان برپا کنند تا زنان به سطوح بالای اجتماعی برسند. هم‌چنین، آن‌ها خواستار زندگی در جامعه‌ای بودند که در آن، مردان به هم‌چون عروسک و بازیچه به آنان ننگرند. آن‌ها خواهان امنیت در جامعه بودند و می‌خواستند

¹⁹. Margaret Foler

²⁰. Flora Tistan

نمود زبانی تمایلات فمینیستی در رمان خوشه‌های خشم ۱۳

به حقوق اجتماعی خود هم‌چون حق رأی دست یابند. فمینیست‌ها نه فقط به دنبال حقوق خود بودند بلکه می‌خواستند تمام اقشار جامعه به حقوق خود دست یابند. از این رو، مجمعی تشکیل دادند به نام «مجمع بین‌المللی زنان» ICW و در آن برای تمام اقشار بشر تلاش می‌کردند و لویجی برای صلح، تحصیل، شغل، رفاه و غیره تصویب می‌کردند. از این طریق، آن‌ها توجه خود را از زنان به سوی تمام بشر بسط دادند. بنابراین، جنبش زنان تبدیل به جنبشی برای بشر گشت.

تجزیه و تحلیل کلام

تجزیه و تحلیل کلام، به چگونگی استفاده از گفتار یا نوشتار در بافت خاص و برای رساندن مقصود خاص می‌پردازد (یول، ۱۹۹۶: ۸۳)؛ در تجزیه و تحلیل کلام، به ساختار گفتمان^{۲۱} توجه زیادی می‌شود زیرا از طریق ساختار متن می‌توان به ورای متن رفت و به معرفت زمینه‌ای^{۲۲}، انتظارات و عقاید نویسنده و خواننده و حتی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند نیز پی برد. نحوه‌ی عرضه‌داشت مطلب، انتخاب قالب بیان مطلب، خلاصه یا گسترده بیان داشتن مطلب و بالاخره به‌کارگیری ساخت دستوری و واژگان خاص ارایه مطلب، بستگی به عواملی چند از جمله کیفیت معرفت زمینه‌ای دارد (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۰). بنابراین، تجزیه و تحلیل کلام آن است که از بررسی صورت متن یا گفتار، به آن چه در ورای آن وجود دارد و همان ساختار ذهنی نویسنده یا گوینده است، پی ببریم و اولین گام در تجزیه و تحلیل کلام، بررسی صورت است تا از این طریق، به معانی و مفاهیم ورای آن پی ببریم. بنابراین، در بخش‌های دیگر این مقاله، در پی آنیم تا با بررسی صورت رمان خوشه‌های خشم و بررسی واژگان و اصطلاحات به کار رفته در آن، به ساختار ذهنی نویسنده و معرفت زمینه‌ای وی که می‌تواند انعکاسی از وضعیت اجتماعی آن زمان باشد، دست یابیم.

خلاصه‌ای از رمان خوشه‌های خشم

رمان خوشه‌های خشم، رمانی تاریخی است. این رمان، حوادث اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در آمریکا را نشان می‌دهد. در آن زمان، آمریکا با کاپیتالیسم و بحران اجتماعی مواجه بود. اولین بخش این رمان، نماینده کل داستان است و بحران محیطی‌ای را که باعث بحران اجتماعی شده است، بیان می‌کند. اصلی‌ترین خانواده این داستان، خانواده «جاد» است. این خانواده متشکل از «پدر بزرگ، مادر بزرگ، پدر،

21. Discourse

22. Background knowledge

مادر، عموجان (John)، جیم کیزی (Jim Casy)، توم-آل-نواه (Noah)، رز افشارن (RoseofSharon)، روتی-وینفلد-کنی (Connie) (همسر رز افشارن) می‌باشد. تام، پسر خانواده، در یک مراسم عروسی، مردی را کشته و به زندان افتاده است. اما پس از تحمل چهار سال زندان، به طور مشروط از زندان خارج شده است به طوری که او نباید در جامعه دردمسرا ایجاد کرده یا از شهر خارج شود. وقتی او به خانه برگشت، با این صحنه مواجه شد که بانک، خانه‌شان را به دلیل بدهی مالی، تصاحب کرده است. نه تنها خانواده جاد خانه را ترک کرده‌اند بلکه تمام خانواده‌هایی که آن‌جا زندگی می‌کردند نیز خانه‌هایشان را ترک کرده‌اند. در راه برگشت به خانه، تام با کیزی آشنا می‌شود. جیم کیزی، کشیش بوده اما این شغل را رها کرده است. او به عشق اعتقاد دارد و می‌خواهد تمام مردم همسان باشند. تام و جیم به همراه یک‌دیگر به سمت خانه‌ی عمو جان می‌روند. در این‌جاست که ما با خانواده جاد آشنا می‌شویم. مادر، زنی فداکار است که به تمام مردم کمک می‌کند و تمام دغدغه او، دور هم نگه داشتن خانواده است. او نقش رئیس خانواده را دارد و بدون او، خانواده از هم می‌پاشد. پدر، فردی سخت‌کوش است که خانواده‌اش را دوست دارد. پدربزرگ و مادربزرگ، پیرترین اعضای خانواده هستند که از لحاظ روحی و روانی وابستگی عمیقی به شهر محل زندگی‌شان دارند. آل، پسر خانواده است که دغدغه او دخترها هستند. نوآ، بزرگ‌ترین پسر خانواده است که در زمان تولد، مشکلاتی داشته و این امر، بر زندگی او چه از لحاظ فیزیکی و چه روحی تأثیر گذاشته است. رز افشارن، دختر بزرگ خانواده است که با کنی ازدواج کرده و باردار است و دغدغه او، همسر و بچه‌اش می‌باشند. عموجان، مردی ناامید است که همسرش در اثر آپاندیس مرده است و او خودش را مقصر می‌داند چون به بیماری او توجه نکرده است. روتی و وینفلد کوچک‌ترین اعضای خانواده هستند.

خانواده جاد در آکلاهما زندگی می‌کردند اما به دلیل از دست دادن خانه‌شان، به سوی کالیفرنیا رفتند؛ به جایی که آن‌ها آن‌جا را هم‌چون بهشتی می‌دانستند که پر از میوه و غذاست. آن‌ها اطلاعیه‌ای را مشاهده کردند که از مردم می‌خواست برای کار به کالیفرنیا بروند و قول دست‌مزد زیادی در ازای کار در آن‌جا به آن‌ها داده شده بود. آن‌ها به سمت کالیفرنیا حرکت کردند. در اولین مراحل سفر، پدربزرگ از دنیا رفت. کیزی می‌گفت به این دلیل پدربزرگ مرد که به شهرش وابستگی داشت و وقتی آن‌ها شهر را ترک کردند، او از لحاظ روحی مرده بود؛ اما مرگ فیزیکی او وقتی اتفاق افتاد که هنوز به کالیفرنیا نرسیده بودند. قبل از رسیدن به آن‌جا، نوآ خانواده را ترک کرد. وقتی آن‌ها به نزدیک کالیفرنیا رسیدند،

نمود زبانی تمایلات فمینیستی در رمان خوشه‌های خشم ۱۵

مادربزرگ در ماشین مرد اما مادر کنار او در عقب ماشین تا صبح خوابید و مرگ او را اعلام نکرد؛ چون می‌خواست خانواده به کالیفرنیا برسد و نمی‌خواست روحیه و امید آن‌ها را از بین ببرد.

آن‌ها بعد از رسیدن به کالیفرنیا، در اردوگاهی توقف کوتاه مدتی کردند و در آن‌جا، کنی همسرش را ترک کرد و در جریان یک زدوخورد، کیزی خودش را گناه‌کار معرفی کرد و پلیس او را دستگیر کرد. سپس آن‌ها در اردوگاهی ساکن شدند که خود مردم آن را اداره می‌کردند. در آن اردوگاه، مدیران به مردم احترام می‌گذاشتند و به کسانی که پول نداشتند، کمک می‌کردند. در آن‌جا، زن‌ها کلویی تشکیل داده بودند و کار می‌کردند و مشکلات دیگر زنان را حل می‌کردند. اما خانواده جاد نتوانست شغلی در آن‌جا پیدا کند و آن‌جا را ترک کردند.

آن‌ها برای جمع‌آوری هلو به منطقه‌ای رفتند و در آن‌جا، تام، جیم کیزی را پیدا کرد. جیم کیزی رئیس گروهی بود که بر علیه حقوق پایین کارگران فعالیت می‌کرد. در زمان ملاقات تام و جیم کیزی، پلیس جیم کیزی را پیدا کرد و او را کشت و تام یکی از پلیس‌ها را کشت. مأموران به تعقیب قاتل پلیس پرداختند و دست‌مزدها پایین‌تر آمد. خانواده جاد، تام را پنهان کرده و فرار کردند. آن‌ها به مزرعه پنبه برای جمع‌آوری پنبه رفتند اما تام خودش را در غاری پنهان کرد و مادر برای او غذا می‌برد. در دعوایی بین بچه‌ها، روتی به بچه‌ها گفت برادرش دو نفر را کشته است. به خاطر این اتفاق، تام فرار کرد و به محل دوردستی رفت تا اهداف جیم کیزی را دنبال کند. به دلیل انجام کارهای سخت توسط رزافشارون در زیر باران، او بیمار شد و بچه‌اش مرده به دنیا آمد. در اثر بارندگی شدید، خانه‌ی خانواده جاد پر از آب شد و آن‌ها همگی خانه را ترک کردند، جز ال که عاشق دختر همسایه شده بود و می‌خواست با او ازدواج کند. خانواده جاد به اتاقی بر فراز تپه‌ای گریختند و در آن اتاق، مردی را به همراه پسرش یافتند که مرد، در حال مرگ بود و برای زنده ماندن نیاز به شیر داشت. رزافشارون که خودش بیمار بود و نیاز به غذا داشت، شیر سینه‌اش را به آن مرد داد و عملی فداکارانه در انتهای رمان انجام داد.

تمایلات و ریشه‌های فمینیستی در رمان خوشه‌های خشم

در بخش اول این مقاله، مشخصات فمینیسم برشمرده شد. در آن‌جا بیان گشت که فمینیسم در سال ۱۹۱۰ به وجود آمد اما اعتراضات به ظلم‌های روا شده به زنان، محدود به آن زمان نبوده و از زمانی طولانی قبل از آن آغاز گشته بود و از مدت‌ها قبل، مردم پی به این ظلم‌ها برده بودند. در ابتدا، مردم خواهان برقراری عدالت بین زن و مرد بودند و از حقوق زنان دفاع می‌کردند اما هیچ کاری در جهت پیش

بردن این هدف انجام نمی‌دادند. اما با گذشت زمان، آن‌ها پی بردند که هیچ کسی جز خودشان نمی‌تواند به آن‌ها کمک کند. آن‌ها متحد شدند و انجمن بین‌المللی زنان را تأسیس کردند. در این انجمن، لویجی در جهان صلح و رفاه جهانی تصویب می‌شد. این اهداف، محدود به زنان نبود بلکه برای تمام بشر بود. بنابراین، زنان توانستند تا حدودی به آن‌چه در پی آن بودند برسند که شامل حقوق برابر، رفاه اجتماعی، آزادی‌های اجتماعی، تحصیلات بالاتر و حق رأی بود.

حال که با این اعتقادات و حوادث آشنا شدیم، این روند را در رمان خوشه‌های خشم از جان اشتاین‌بک بررسی می‌کنیم.

از اولین صفحات این رمان، با کمی دقت می‌توان نشانه‌هایی از تمایلات فمینیستی را در آن مشاهده کرد. به طور کلی، این رمان فرایند ایجاد تمایلات فمینیستی در جامعه‌ی غرب را به تصویر می‌کشد. در ابتدای داستان و در فصل یک، زن‌ها وابسته به مردها هستند و اگر مردها بشکنند، شکست زن‌ها حتمی است: «زن‌ها و بچه‌ها در ته دل‌شان می‌دانستند که اگر مردهاشان آسیبی نبینند، هر فلاکتی تحمل کردنی است» (اشتاین‌بک، ۱۹۳۹: ۱۴). هم‌چنین، زن‌ها هیچ اختیاری نداشتند و حق فکر کردن نیز از آنان سلب شده بود به طوری که از مردها می‌پرسیدند که چه باید انجام دهند: «زن‌ها پرسیدند چه باید کرد؟ و مردها پاسخ دادند: نمی‌دانیم» (همان: ۱۲). با خواندن این رمان متوجه می‌شویم که با گذشت زمان، این فقدان اختیار و وابستگی زن‌ها به مردها، تغییر می‌کند. هم‌چنین، زن‌ها برای رسیدن به این استقلال می‌جنگند، مثل حادثه‌ای که در جامعه‌ی حقیقی اتفاق افتاد. به طوری که، در انتهای داستان، مادر فرمان می‌دهد و پدر اطاعت می‌کند: «پدرگفت: خوب، رفتن را میریم اما کجا بریم آخه؟ مادر: چه می‌دونم» (همان: ۵۱۶). این جمله شبیه همان جمله‌ای است که در شروع داستان با آن برمی‌خوریم، با این تفاوت که در شروع داستان، مادر از پدر می‌پرسد چه کند اما در انتهای داستان، جایگاه پدر و مادر با هم عوض می‌شود و این پدر است که از مادر می‌پرسد چه کاری انجام دهد.

در سطر پیش، گفتیم در جامعه‌ی خارج از داستان، در ابتدا زن‌ها وابسته به مردها بودند اما بر علیه این وابستگی جنگیدند که این فرایند در داستان نیز به چشم می‌خورد به طوری که در انتهای داستان، مردها به زنان وابسته شدند. این نبرد زن را در جایی از این داستان به وضوح می‌توان مشاهده کرد که در آن‌جا، مادر نه فقط از پدر اطاعت نمی‌کند بلکه او را تهدید نیز می‌کند:

نمود زبانی تمایلات فمینیستی در رمان خوشه‌های خشم ۱۷

مادر در برابر او قرار گرفت: «من نمیام». «چی؟ تونمیای؟ باید بیای، باید به کارهای خانواده برسی». پدر از این طغیان، متعجب بود. مادر به اتومبیل نزدیک شد، دست به درون برد و چیزی را جست، دسته‌ی جک را بیرون کشید، آن را در دست خود به نوسان آورد و گفت: «من نمیام» (همان: ۱۹۴).

هم‌چنین، در موقعیت دیگری از داستان، مادر شجاعانه از حقوق خانواده در مقابل پلیسی که می‌خواهد آن‌ها را از آن‌جا بیرون کند، دفاع می‌کند:

چهره مادر از خشم، تیره شد. یواش پاشد. دولا شد و ماهی‌تاوه‌ی آهنی را از توی جعبه اساسیه‌ی آشپزخانه برداشت: «یه باتون آهنی و یه هفت‌تیر به خودت آویزون کردی سر و گردن میای که از کجا اومدم؟ خفه می‌شی یا نه؟» به ماهی‌تاوه مسلح شده بود و پیش می‌رفت (همان: ۲۴۴).

بعد از تلاش‌هایی که زنان برای رسیدن به حقوق خود انجام دادند، آن‌ها سرانجام تا حدودی به آن دست یافتند. در این داستان نیز پس از موفقیت مادر در خانواده، تصمیمات مهم توسط او گرفته می‌شود. او تصمیم می‌گیرد که کجا و کی بروند. در یکی از این صحنه‌ها، پدر به نقش جدید مادر در خانواده اعتراض می‌کند و مادر، پدر را مسخره نموده و به او می‌گوید که او نه فکر می‌کند نه عمل:

مادر بشقاب را در سطل آب فرو برد و گفت: «فردا صبح میریم». پدر بینی‌اش را بالا کشید و با لحن نیش‌داری گفت: «انگار همه چیز دنیا عوض شده. سابقاً مردها تصمیم می‌گرفتن. حالا دیگه انگار زن‌ها همه کارن. کم‌کم داره وقتش میرسه که یه چماق وردارم. مادر بشقاب را که هنوز از آن آب می‌چکید برای خشک شدن روی صندوق گذاشت. سپس لبخند سبکی زد و گفت: «پدر، پس برو چماقتو وردار. وقتی چیزی برا خوردن و گوشه‌ای برا زندگی کردن داشته باشیم، اون وقت شاید تو بتونی چماقتو کار بزنی و جون سالمی در ببری. ولی الان، تو کار خودتو نمیکنی، نه با مغزت نه با دستات. اگه این کارو می‌کردی، اون وقت می‌تونستی امر و نهی کنی و... ولی حالا اگه چماقی پیداکنی، هیچ غلطی نمیتونی بکنی. من هم با چماقی که آماده دارم، خدمتت می‌رسم و قلم‌هاتو خورد می‌کنم». اما پدر در جواب فقط می‌گوید:

«خیلی عجیبه! زن رئیس خانواده میشه. زن میگه فلون کارو می‌کنم فلون جا میرم. انگار این کارها اصلاً به من مربوط نیست». مادر برای تسکین او گفت: «آخه زن زودتر خودشو به تغییر و تبدیل عادت میده. زن همه زندگیش تو بازوهاشه، ولی زندگی مرد تو سرشه. خودتو ناراحت نکن. شاید... آخه شاید... سال دیگه به آب و زمینی برسیم» (همان: ۴۸۳).

هم‌چنین، با بررسی تاریخ، دریافتیم که پس از جنگ زنان در جامعه‌ای مردسالار، آنان انجمن بین‌المللی زنان را تشکیل دادند. در این داستان نیز، وقتی خانواده جاد به کمپی دولتی می‌روند، زنان در این کمپ،

انجمن زنان را تشکیل داده‌اند که در آن، زن‌ها وظایفی دارند و به مشکلات کمپ و ساکنان آن رسیدگی می‌کنند. در این انجمن، آن‌ها به هم کمک می‌کنند و به خانواده‌هایی که درآمد کافی ندارند رسیدگی می‌کنند. در آن‌جا، روابط بر اساس احترام متقابل است و ساکنان و مدیران آن، زنان را با عنوان «خانم» صدا می‌زنند.

نشان دیگری از لزوم برابری بین زن‌ها و مردها در رفتارهای جیم کیزی مشاهده می‌شود. او از مادر خواست تا به او اجازه بدهد در کار خانه به او کمک کند و خواهش کرد اجازه دهد گوشت را او نمک‌سود کند اما مادر پاسخ داد: «این کار، کار زن‌هاست» جیم پاسخ داد: «کار زن‌ها یا هر چی، فرقی نمی‌کنه» (همان: ۱۲۵). این نشان می‌دهد که برخی از مردها در این داستان، معتقدند که مرد و زن تفاوتی ندارند و مردها و زن‌ها باید برای رسیدن به اهداف مشترک، به هم کمک کنند. حالا که انعکاس فرایند ظهور فمینیسم در رمان خوشه‌های خشم نیز مشاهده گشت، به بررسی عقیده‌ی نویسنده در مورد زنان و مردان می‌پردازیم تا دریابیم در دیدگاه جان اشتاین‌بک، ویژگی زن چیست و نقش زن در این رمان چگونه است.

در دیدگاه جان اشتاین‌بک، مادر قهرمان داستان است که از به‌کار بردن واژگانی که نویسنده در توصیف مادر استفاده می‌کند و در زیر، مشخص شده است می‌توان به این نتیجه رسید. هیچ چیزی جز توصیف جان اشتاین‌بک نمی‌تواند زیبایی این شخصیت را به نمایش بگذارد:

«صورت چاقش اثری از نرمی نداشت ولی آکنده از استواری و مهربانی بود. به نظر می‌رسید که چشم‌های فندقی رنگش با همه بدبختی‌های ممکن آشنا گشته و از پلکان رنج و درد چندان بالا رفته بود که به مراحل عالی آرامش و درک فوق‌بشری رسیده بود. پنداری این دژ خانواده و پناه تسخیرناپذیر، نقش خود را به خوبی شناخته، پذیرفته و با شادی به پایان می‌برد و چون بابا توم و فرزندانش نمی‌توانستند رنج و هراسی را بپذیرند مگر زمانی که او بدان تن در داده باشد، خوگرفته بود که از پذیرش هر رنج و هراسی سرباز زند و چون هر حادثه خوشی رخ می‌داد، همه به او نگاه می‌کردند و شادی را در او می‌جستند، عادت کرده بود حتی بدون علل کافی بخندد ولی برتر از شادمانی، آرامش او بود. خون‌سردی چیزی است که می‌توان به آن اعتماد کرد. موقعیت برجسته و ممتازش در خانواده، به او شایستگی و زیبایی ساده و زلالی می‌بخشید. دست‌هایش شفاف‌بخش بود و بر اطمینان، صفا و آرامش، چیرگی داشت. داور خانواده بود و در دآوری‌های خویش، چون الهه‌ای دست نیافتنی و بی‌خطا می‌نمود. انگار می‌دانست اگر او بلرزد، همه‌ی خانواده متزلزل خواهد شد و اگر روزی او شکست بخورد یا واقعاً نومید بشود، همه‌ی خانواده به زانو در خواهد آمد و اراده‌ی کار کردن را از دست خواهد داد» (همان: ۸۹-۸۸).

نمود زبانی تمایلات فمینیستی در رمان خوشه‌های خشم ۱۹

بنابراین، مادر در این داستان همانند ستونی است که خواهان استوار نگه‌داشتن خانواده است و در راه رسیدن به این هدف، سخت تلاش می‌کند. مهم‌ترین دغدغه‌ی مادر، دور هم نگه‌داشتن خانواده است. برای رسیدن به این هدف او حتی دست به فداکاری‌های عجیب و بزرگی می‌زند. در این داستان، وقتی خانواده به نزدیکی کالیفرنیا رسید، مادر بزرگ مُرد اما مادر در عقب ماشین کنار مادر بزرگ تا صبح خوابید تا به کالیفرنیا برسند؛ زیرا او نمی‌خواست امید خانواده را از آنان بگیرد و آنان را در رسیدن به هدف، سست کند. او در پاسخ به تام گفت: «لازم بود که خانواده به کالیفرنیا برسه» (همان: ۲۶۲). کیزی پس از دیدن این فداکاری مادر می‌گوید: «جان! این‌جا به زنی هست که به دنیا عشق رو در خودش جمع کرده، اون قدر که منو به وحشت می‌ندازه. من خودمو پیش اون اون قدر نفله حس می‌کنم که نگو» (همان: ۲۶۲). در این رمان، مادر فقط به اعضای خانواده خود کمک نمی‌کند بلکه به تمام مردمی که با آن‌ها برمی‌خورد نیز کمک می‌نماید. در حالی که خود آن‌ها غذای کافی برای خوردن نداشتند، مادر بخشی از غذا را به بچه‌های گرسنه‌ای می‌داد که به غذای آن‌ها خیره شده بودند. اما تام عملی برخلاف عمل مادرش انجام داد و به بچه‌ها گفت: «برین دنبال کارتون، این‌جا چی می‌خوان» (همان: ۱۹۳). نه تنها مادر خانواده فداکار است بلکه زن‌های دیگر خانواده نیز همین منش را نشان می‌دهند. مهم‌ترین صحنه و آخرین صحنه، زمانی است که رزافشارن بیمار بوده و نوزادش مرده به دنیا آمده است. آن‌ها با مردی مواجه می‌شوند که در حال مردن بوده و نیاز به شیر دارد. در موقعیتی که رزافشارن از کمبود غذا و ضعف روحی و جسمی رنج می‌برد، می‌پذیرد که به مرد از شیر خود بدهد. بنابراین، او جان مرد را نجات می‌دهد هرچند به قیمت به خطر انداختن جان خودش باشد. از دیگر نشانه‌های فمینیسم در این رمان، صحنه‌ای است که در آن لاک‌پشتی در حال عبور از جاده است. ماشینی که راننده آن، زن است به آن نزدیک شده، لاک‌پشت را دیده و به سمتی دیگر می‌پیچد تا لاک‌پشت کشته نشود اما کامیونی که راننده‌اش مرد است، لاک‌پشت را دیده و راهش را کج می‌کند تا لاک‌پشت را زیر بگیرد. این صحنه، تمایلات فمینیستی نویسنده را از همان آغاز رمان نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

بنابراین چه تاکنون بیان شد، می‌توان به این نتیجه رسید که تمایلات فمینیستی در رمان جان اشتاین‌بک با نام خوشه‌های خشم دیده می‌شود؛ او مادر را موجودی می‌داند که تمام غم‌ها را تجربه کرده و موقعیتی

همچون ستون خانواده دارد که با تکان او، تمام خانواده خواهد لرزید. وی مادر را هم چون قدیسه‌ای می‌داند که جز با سقوط او، خانواده سقوط نخواهد کرد. تنها دغدغه او رسیدن خانواده به کالیفرنیا و دورهم نگه‌داشتن آن‌هاست و در راه رسیدن به این هدف، فداکاری بسیاری متحمل می‌شود. همچنین عمل زرافشارون نیز که با دادن شیر خود به مرد بیمار در حالی که خود او بیش از هر کس دیگری ضعیف و بیمار بود و نجات آن مرد، نشان از فداکاری یک زن دیگر در این خانواده دارد. کمک آن‌ها فقط به اعضای خانواده خود محدود نمی‌شود بلکه آن‌ها به تمام مردم کمک می‌کردند. همچنین، فرایند ظهور فمینیسم در واقعیت جامعه را بررسی کرده و مشاهده شد که همین فرایند، در این داستان به نوعی به تصویر کشیده شده است. در این داستان، زن‌ها در ابتدا تحت حاکمیت مردان و وابسته می‌باشند و در جامعه‌ای مردسالار زندگی می‌کنند؛ اما کم‌کم برای رسیدن به حقوق خود تلاش کرده به طوری که در انتهای داستان مردها به زن‌ها وابسته شده‌اند و از زنان تبعیت می‌کنند. بنابراین، از بررسی رمان خوشه‌های خشم به این نتیجه رسیدیم که جان اشتاین‌بک نیز از نویسندگان روشن‌فکری بوده است که در جهت برقراری عدالت در جامعه می‌کوشیده است و در رمان خویش، سعی در نشان دادن توانایی‌های زنان و جایگاه ناعادلانه‌ای که در جامعه دارند می‌نماید. همچنین، دریافتیم که جنبش زنان، نه تنها در پی رساندن زنان به حقوق خویش بوده، بلکه در پی این بوده است که عدالت اجتماعی در جامعه حکم‌فرما باشد و از این رو، نه تنها زنان در جبهه فمینیسم می‌کوشیدند، بلکه طبقه‌ی کارگر، مردان، نویسندگان و هر انسان روشن‌فکری که در پی برقراری عدالت در جامعه بوده است، در راستای تحقق آن تلاش می‌کرده است.

منابع

یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳) «ساخت گفتمانی و متنی رباعیات خیام و منظومه‌ی انگلیسی فیتزجرالد» لطف‌الله یارمحمدی، گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، هرمس: تهران، ۴۸-۲۹.

Edith, Thomas (1984) *Les Femme en 1848*, Paris: PUF.

F.Cott, Nancy (1987) *The Grounding of Modern Feminism*, New Haven and London: Jale University Press.

Hvrwitz, E. (1977) *The International Sisterhood*, Boston: Hoghton Mifflin.

Hornby, A. S. (1993) *Oxford Advanced Learner's Dictionary*, Oxford University Press.

Hornby, A. S. (2003) *Oxford Advanced Learner's Dictionary*, Oxford University Press.

نمود زبانی تمایلات فمینیستی در رمان خوشه‌های خشم ۲۱

Michel , Andree Le Feminisme, [n.p], [n.d].

Stein Beck , John (1939) Grapes of Wrath, United States of America: Viking Press.

Yule, George (1996) pragmatics, oxford university press.